

آیه ۱۹۶

آیه و ترجمه

واتموا الحج و العمرة لله فان احصرتم فما استيسر من الهدى و لاتحلقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى محله فمن كان منكم مريضا او به اذى من راسه ففدية من صيام او صدقة او نسك فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدى فمن لم يجد فصيام ثلاثة ايام فى الحج وسبعة اذا رجعتم تلك عشرة كاملة ذلك لمن لم يكن اهله حاضرى المسجد الحرام و اتقوا الله و اعلموا ان الله شديد العقاب

ترجمه :

۱۹۶ - و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود) و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیة و کفارهای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد اهل مکه و اطراف آن نباشد. و از خدا به پرهیزید و بدانید که او، سخت کیفر است!

تفسیر :

قسمتی از احکام مهم حج

دقیقا روشن نیست که آیات مربوط به حج در قرآن مجید در چه تاریخی نازل

شده است ولی به اعتقاد بعضی از مفسران بزرگ در حجة الوداع نازل گشته در حالی که بعضی گفته‌اند که جمله فان احصرتم فما استیسر من الهدی ناظر به جریان حدیبیه است که در سال ششم هجرت واقع شد و مسلمانان از زیارت خانه خدا ممنوع شدند

در این آیه، احکام زیادی بیان شده است:

۱- در ابتدا، یک دستور کلی برای انجام فریضه حج و عمره به طور کامل و برای اطاعت فرمان خدا داده، می‌فرماید: حج و عمره را برای خدا به‌تمام برسانید (و اتموا الحج و العمره لله).

در واقع قبل از هر چیز به سراغ انگیزه‌های این دو عبادت رفته و توصیه می‌کند که جز انگیزه الهی و قصد تقرب به ذات پاک او، چیز دیگری در کار نباشد، و عمل نیز به مقتضای و اتموا از هر نظر کامل و جامع باشد.

۲- سپس به سراغ کسانی می‌رود که بعد از بستن احرام به خاطر وجود مانعی، مانند بیماری شدید و ترس از دشمن، موفق به انجام اعمال حج عمره نباشند، می‌فرماید: اگر محصور شدید (و موانعی به شما اجازه‌نداد که پس از احرام بستن وارد مکه شوید) آنچه از قربانی فراهم شود ذبح کنید و از احرام خارج شوید (فان احصرتم فما استیسر من الهدی).

به هر حال افرادی که گرفتار می‌شوند، و توانایی انجام مراسم حج و عمره را پیدا نمی‌کنند، می‌توانند با استفاده از این مساله، از احرام خارج شده و به حال

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۳

عادی باز گردند.

می‌دانیم قربانی ممکن است شتر یا گاو یا گوسفند باشد، که آسانترین آنها گوسفند است، و لذا جمله فما استیسر من الهدی را غالباً اشاره به گوسفند دانسته‌اند.

۳- سپس به دستور دیگری اشاره کرده، می‌فرماید: سرهای خود را تراشید تا قربانی به محلش برسد و در قربانگاه ذبح شود (و لا تحلقوا رؤسکم حتی یبلغ الهدی محله).

آیا این دستور مربوط به افرادی است که محصور و ممنوع از انجام مراسم حج می‌شوند، و در واقع دستوری است برای تکمیل دستور سابق، و یا همه حاجیان را می‌گوید، بعضی از مفسران، معنی اول را برگزیده‌اند و گفته‌اند، منظور از محل هدی (محل قربانی) حرم است و گاه گفته‌اند، منظور همان جا است که

مانع و مزاحم، حاصل می‌شود و به فعل پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در داستان حدیبیه که محلی است بیرون حرم مکه، استدلال کرده‌اند که حضرت بعد از ممانعت مشرکان، قربانی خود را در همان جا ذبح کرد و به اصحاب و یارانش نیز دستور داد چنین کنند.

مفسر عالیقدر مرحوم طبرسی می‌گوید: به اعتقاد علمای ما، محصور اگر به خاطر بیماری بوده باشد، قربانی او را در حرم باید ذبح کنند و اگر به خاطر جلوگیری از دشمن باشد در همان جا که جلوگیری شده است ذبح می‌کنند. ولی بعضی دیگر از مفسران، این جمله را ناظر به تمام حجاج می‌دانند و می‌گویند هیچ کس حق ندارد، تقصیر کند (سر بترشد و از احرام خارج گردد) مگر اینکه قربانی را در محلش ذبح کند (قربانی حج در منی و قربانی عمره در مکه).

به هر حال منظور از رسیدن قربانی به محلش، آن است که به آن محل برسد و ذبح شود، و این تعبیر کنایه‌ای از ذبح است. با توجه به عمومیت تعبیری که در آیه وارد شده است تفسیر دوم مناسب‌تر به

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۴

نظر می‌رسد که هم شامل محصور است و هم غیر محصور.

۴ - سپس می‌فرماید: اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سرداشت (و به هر حال ناچار بود سر خود را قبل از آن موقع بترشد) باید فدیة (کفارهای) از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد (فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة اونسک).

نسک در اصل جمع نسیکه به معنی حیوان ذبح شده است، این واژه به معنی عبادت نیز آمده است.

لذا راغب در مفردات، بعد از آنکه نسک را به عبادت تفسیر می‌کند، می‌گوید: این واژه در مورد اعمال حج به کار می‌رود، و نسیکه به معنی ذبیحه است. بعضی از مفسران نیز آن را در اصل به معنی شمشهای نقره می‌دانند و اینکه به عبادت نسک گفته شده به خاطر آن است که انسان را خالص و پاک و پاکیزه می‌کند.

به هر حال ظاهر آیه این است که چنین شخصی مخیر در میان این سه (روزه، و صدقه و ذبح گوسفند) می‌باشد.

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده است که، روزه در این مورد باید سه

روز بوده باشد، و صدقه به شش مسکین، و در روایتی به ده مسکین، و نسک یک گوسفند است.

۵ - سپس می‌افزاید: و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، کسانی که

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۵

عمره را تمام کرده و حج را آغاز می‌کنند، آنچه میسر است از قربانی (ذبح کنند) (فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدى). اشاره به اینکه در حج تمتع که عمره قبلاً انجام می‌گیرد، و بعد حج بجا آورده می‌شود، قربانی کردن لازم است، و فرق نمی‌کند که این قربانی شتر باشد یا گاو و یا گوسفند، و بدون آن از احرام خارج نمی‌شود.

درباره اصل هدی به گفته مرحوم طبرسی دو قول وجود دارد، اول اینکه از هدیه گرفته شده است، و چون قربانی در واقع هدیه‌ای به سوی بیت‌الله است، این واژه بر آن اطلاق شده است. دیگر اینکه از ماده هدایت گرفته شده است زیرا حیوان قربانی را همراه می‌بردند، و به سوی خانه خدا و قربانگاه هدایت می‌کردند.

ولی ظاهر کلام راغب در مفردات این است که فقط از هدیه گرفته شده و می‌گوید: هدی جمع است و مفرد آن هدیه است.

در معجم مقاییس اللغة نیز دو ریشه برای این لغت ذکر شده، هدایت و هدیه، اما بعید نیست هر دو به هدایت باز گردد. زیرا هدیه چیزی است که به سوی شخصی که به او هدیه می‌شود هدایت می‌گردد. (دقت کنید).

۶ - سپس به بیان حکم کسانی می‌پردازد که در حال حج تمتع قادر به قربانی نیستند، می‌فرماید: کسی که (قربانی) ندارد، باید سه روز در ایام حج، و هفت روز به هنگام بازگشت، روزه بدارد، این ده روز کامل است (فمن لم يجد فصيام ثلاثة ايام في الحج و سبعة اذا رجعتكم تلك عشرة كاملة).

بنابراین اگر قربانی پیدا نشود، یا وضع مالی انسان اجازه ندهد، جبران آن ده روز روزه است، که سه روز آن (روز هفتم و هشتم و نهم ذی‌الحجه) در ایام حج واقع می‌شود، و این از روزهایی است که انجام آن در سفر مانعی ندارد، و هفت روز دیگر را بعد از بازگشت به وطن انجام می‌دهد.

با اینکه معلوم است سه روز به اضافه هفت روز مجموعاً ده روز می‌شود در

---

عین حال، قرآن می‌گوید: این ده روز کامل است. بعضی از مفسران در تفسیر این جمله گفته‌اند این به خاطر آن است که واو گرچه معمولاً برای جمع است نه برای تخییر، چون گاه در معنی تخییر نیز استعمال می‌شود، در اینجا خداوند برای رفع هر گونه ابهام، جمله تلک عشرة کامله را فرموده است.

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر به کامله اشاره به این است که روزه ده‌روز می‌تواند به طور کامل جانشین قربانی شود، و زوار خانه خدا نباید از این بابت نگران باشند، زیرا تمام ثوابهایی که برای صاحبان قربانی از سوی خدا داده می‌شود، به آنها داده خواهد شد.

بعضی نیز گفته‌اند: این تعبیر اشاره به نکته لطیفی در مورد عدد ده می‌باشد زیرا از یک نظر عدد ده کاملترین اعداد است، چون هنگامی که اعداد را از یک شروع می‌کنیم تا ده سیر صعودی خود را تکمیل می‌کند، و اعداد بعد از آن، تکرار و ترکیبی است از ده و عددهای دیگر مانند یازده و دوازده، عرب به عدد بیست، عشرين می‌گوید (یعنی دو عدد ده) و به سی ثلاثین (سه عدد ده) و همچنین..

۷ - بعد به بیان حکم دیگری پرداخته، می‌گوید: این برنامه حج تمتع برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد (ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام).

بنابراین کسانی که اهل مکه یا اطراف آن باشند، حج تمتع ندارند، بلکه حج تمتع مخصوص افراد دور از این منطقه است، و مشهور و معروف در میان فقهاء این است که هر کس ۴۸ میل از مکه دورتر باشد، وظیفه او حج تمتع است، و آنها که در فاصله کمتری قرار دارند، وظیفه آنها حج قرآن یا افراد است، که عمره آن بعد از

مراسم حج بجا آورده می‌شود (شرح این موضوع و مدارک آن در کتب فقهی آمده است)

بعد از بیان این احکام هفتگانه در پایان آیه دستور به تقوا می‌دهد و می‌فرماید: از خدا به پرهیزید و تقوا پیشه کنید و بدانید خداوند عقاب و کیفرش شدید

است (و اتقوا الله و اعلموا ان الله شديد العقاب). این تاکید شاید به این جهت است که مسلمانان در هیچ یک از جزئیات این عبادت مهم اسلامی کوتاهی نکنند چرا که کوتاهی در آن گاهی سبب فساد حج و از بین رفتن برکات مهم آن می شود.

نکته ها

### ۱ - اهمیت حج در میان وظایف اسلامی!

حج از مهمترین عباداتی است که در اسلام تشریع شده و دارای آثار و برکات فراوان و بیشماری است حج مایه عظمت اسلام، قوت دین و اتحاد مسلمین است حج مراسمی است که پشت دشمنان را می لرزاند و هر سال خون تازه های در عروق مسلمانان جاری می سازد. حج همان عبادتی است که امیر مومنان آن را پرچم و شعار مهم اسلام نامیده و در وصیت خویش در آخرین ساعت عمرش فرموده: و الله الله فی بیت ربکم لا تخلوه ما بقیتم فانه ان ترک لم تناظروا، خدا را خدا را! در مورد خانه پروردگارتان تا آن هنگام که هستید آن را خالی نگذارید که اگر خالی گذارده شود مهلت داده نمی شوید (و بلای الهی شما را فرا خواهد گرفت).

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۸

این جمله نیز از دشمنان اسلام معروف است که می گویند: مادام که حج رونق دارد ما بر آنها پیروز نمی شویم. یکی دیگر از دانشمندان می گوید: وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را در نیابند و وای به حال دیگران اگر معنی آن را دریابند. در حدیث معروفی که علی (علیه السلام) - در زمینه فلسفه احکام، طبق نقل نهج البلاغه حکمت ۲۵۲ بیان فرموده نیز اشاره پر معنایی به اهمیت حج شده است، می فرماید: فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك... و الحج تقوية للدين: خداوند ایمان را وسیله پاک سازی مردم از شرک... و حج را سبب قوت دین قرار داده است.

این سخن را با حدیثی از امام صادق (علیه السلام) پایان می دهیم (و شرح بیشتر را به جلد ۱۴ تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۶ تا ۲۸ سوره حج که به طور مبسوط از اهمیت و فلسفه و اسرار حج بحث شده و می گذاریم) آنجا که فرمود: لا يزال الدين قائما ما قامت الكعبة، اسلام بر پا است تا زمانی که کعبه بر پا است.

## ۲ - اقسام حج و فهرست اعمال حج تمتع

فقه‌های بزرگ ما با الهام از آیات قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) حج را سه قسم تقسیم کرده‌اند: حج تمتع، و حج قران و افراد

حج تمتع مخصوص کسانی است که فاصله آنها از مکه ۴۸ میل یا بیشتر باشد (۱۶ فرسخ حدود ۹۶ کیلومتر) و حج قران و افراد، مربوط به کسانی است که در

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۴۹

کمتر از این فاصله زندگی می‌کنند.

در حج تمتع، نخست عمره را بجا می‌آورند، سپس از احرام بیرون می‌آیند، بعداً مراسم حج را در ایام مخصوصش انجام می‌دهند، ولی در حج قران و افراد، اول مراسم حج بجا آورده می‌شود، و بعد از پایان آن مراسم عمره، با این تفاوت که در حج قران، قربانی همراه می‌آورند و در حج افراد این قربانی نیست، ولی به عقیده اهل سنت حج قران آن است که حج و عمره را در یک احرام با هم قصد می‌کند).

### اعمال حج تمتع به شرح زیر است:

نخست از نقاط معینی که میقات نام دارد احرام می‌بندند: یعنی متعهد می‌شوند یک سلسله کارها که بر محرم حرام است ترک کنند و جامه احرام که دو قطعه لباس نمدوخته است بر تن می‌کنند و لبیک گویند به سمت خانه خدا می‌آیند نخست هفت بار دور خانه خدا طواف می‌کنند و سپس در محلی که به نام مقام ابراهیم معروف است دو رکعت نماز به جا می‌آورند و بعد در میان دو کوه صفا و مروه هفت مرتبه رفت و آمد می‌نمایند و بعد با چیدن کمی از مو یا ناخن خود، از احرام خارج می‌شوند و برای مراسم حج از مکه احرام بسته و روز نهم ذی الحجه به عرفات که بیابانی است در چهار فرسخی مکه می‌روند و آن روز را از ظهر تا غروب آفتاب در آنجا می‌مانند و به نیایش پروردگار مشغول می‌شوند و سپس از غروب آفتاب به سوی مشعر الحرام که در حدود دو فرسخ و نیمی مکه قرار دارد کوچ می‌کنند و شب را تا صبح در آن وادی مقدس می‌مانند و هنگام طلوع آفتاب از آن سرزمین به منی که در نزدیکی آن قرار دارد حرکت می‌کنند و در همان روز که روز عید قربان است به ستون مخصوصی که نام آن جمره عقبه است هفت سنگ می‌زنند سپس قربانی می‌کنند و با تراشیدن سر از احرام بیرون می‌آیند.



و همان روز یا بعد از آن به مکه باز می‌گردند و طواف خانه خدا و نماز طواف و سعی صفا و مره و طواف نساء و نماز طواف نساء بجا می‌آورند و در روزهای

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۰

یازدهم و دوازدهم به سه ستون مخصوص در منی که جمرات نام دارد یکی پس از دیگری را هفت بار سنگ می‌زنند و شبهای یازدهم و دوازدهم در سرزمین منی می‌مانند و به این ترتیب مراسم حج که هر کدام زنده کننده یک خاطره تاریخی است و کنایات و اشاراتی به مسائل مربوط به تهذیب نفس و فلسفه‌های اجتماعی است انجام می‌دهند که فلسفه هر کدام در آیات مناسب تشریح خواهد شد.

### ۳- چرا بعضی حج تمتع را به فراموشی سپرده‌اند؟

ظاهر آیه فوق این است که وظیفه کسانی که مقیم در مکه نیستند، حج تمتع می‌باشد (حجی که با عمره شروع می‌شود، و بعد از اتمام مراسم عمره از احرام بیرون می‌آیند، و مجدداً برای حج احرام می‌بندند و مراسم حج را بجا می‌آورند) و هیچ‌گونه دلیلی به نسخ این آیه در دست نیست و روایات زیادی در کتب شیعه و اهل تسنن در این زمینه نقل شده است از جمله محدثان معروفی از اهل سنت مانند نسائی در کتاب سنن خود، و احمد در کتاب مسند و ابن ماجه در سنن، و بیهقی در سنن الکبری، و ترمذی در صحیح خود و مسلم نیز در کتاب معروف خود، روایات فراوانی در مورد حج تمتع نقل کرده‌اند که این حکم نسخ نشده و تا روز قیامت باقی است.

بسیاری از فقهای اهل سنت نیز آن را افضل انواع حج می‌دانند هر چند اجازه حج قران و افراد را در کنار آن می‌دهند (البته قران به همان معنی که در بالا از فقهای آنان نقل شد).

ولی در حدیث معروفی که از عمر نقل شده می‌خوانیم که گفت: متعتان کانتا علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما متعة النساء و متعة الحج، دو متعه در زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که من از آن دو نهی می‌کنم و هر کس

---

### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۱

بجا آورد مجازات می‌کنم متعه نساء و متعه حج. فخر رازی در ذیل آیه مورد بحث بعد از نقل این حدیث از عمر



می‌گوید: منظور از متعه حج این است که هر دو احرام (احرام حج و احرام عمره) را با هم جمع کند سپس نیت حج را فسخ کند و عمره بجا آورد و بعد از آن حج نماید.

بدیهی است هیچ کس جز پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حق اعلام نسخ حکمی را ندارد و اصولاً این تعبیر که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین گفت و من چنین می‌گویم تعبیری است که برای هیچ کس قابل تحمل نمی‌باشد مگر می‌توان فرمان پیامبر را زمین نهاد و به دنبال گفتار دیگران رفت این غیر قابل قبول است.

به هر حال امروز بسیاری از علمای اهل سنت حدیث مزبور را رها کرده و حج تمتع را به عنوان افضل انواع حج پذیرفته و بر طبق آن عمل می‌کنند!

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۲

آیه ۱۹۷ - ۱۹۹

آیه و ترجمه

الحج اشهر معلومت فمن فرض فيهن الحج فلا رفث و لا فسوق ولا جدال في الحج و ما تفعلوا من خير يعلمه الله و تزودوا فان خير الزاد التقوى و اتقون يا اولي الالباب

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم فاذا افضتم من عرفت فاذكروا الله عند المشعر الحرام و اذكروه كما هدئکم و ان کنتم من قبله لمن الضالین ثم افيضوا من حيث افاض الناس و استغفروا الله ان الله غفور رحیم

ترجمه :

۱۹۷ - حج، در ماههای معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج)، حج را بر خود فرض کرده‌اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند. و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من به پرهیزد ای خردمندان!

۱۹۸ - گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، پیریزی یک اقتصاد صحیح است). و هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

۱۹۹ - سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است!

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۳

تفسیر :

بهترین زاد و توشه

این آیات همچنان احکام حج و زیارت خانه خدا را تعقیب می کند، و دستورات جدیدی در آن مطرح است:

۱ - نخست می فرماید: حج در ماههای معینی است (الحج اشهر معلومات). منظور از این ماهها ماههای شوال، ذی القعدة و ذی الحجه است (تمام ماه ذی الحجه یا همان ده روز اول) و این ماهها را اشهر حج می نامند زیرا بخشی از اعمال حج (مراسم عمره را) در غیر این ماهها نمی توان انجام داد و بخشی را منحصر در روزهای نهم تا دوازدهم ماه ذی الحجه باید انجام داد، و اینکه در قرآن تصریح به نام این ماهها نشده به خاطر آن است که این ماهها برای همه شناخته شده بود، و قرآن با این عبارت تاکید بر آن می کند. ضمناً این جمله، یکی از رسوم خرافی جاهلیت را نفی می کند که گاه به خاطر درگیری با جنگها یا غیر آن، ماههای حج را تغییر و تبدیل می دادند، و جلو و عقب می کردند، قرآن می گوید: این ماهها معین و ثابت است، و تقدیم و تاخیر در آن جایز نیست.

۲ - سپس به دستور دیگری در مورد کسانی که با احرام بستن شروع به مناسک حج می کنند اشاره کرده، می فرماید: آنها که حج را بر خود فرض کرده اند (و احرام بسته اند باید بدانند) در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال نیست (فمن

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۴

فرض فیهن الحج فلا رفت و لا فسوق و لا جدال فی الحج)

رفت بر وزن قفس در اصل به معنی سخنی است که متضمن مطلبی که ذکر آن قبیح است بوده باشد، اعم از آمیزش جنسی و یا مقدمات آن، سپس کنایه از جماع قرار داده شده است. ولی بعضی تصریح کرده اند و از رفت تنها در صورتی به این نوع گفتگوها اطلاق می شود که در حضور زنان باشد و اگر در غیاب آنها باشد، رفت نامیده نمی شود.

بعضی نیز اصل آن را به معنی تمایل عملی به زنان دانسته اند که از مزاح و لمس

و تماس شروع می‌شود و به آمیزش جنسی پایان می‌گیرد.  
فسوق به معنی گناه و خارج شدن از اطاعت خدا است. و جدال به معنی گفتگوی توأم با نزاع است، و در اصل به معنی محکم پیچیدن طناب است و از آنجا که طرفین گفتگوی آمیخته با نزاع به یکدیگر می‌پیچند و هر کدام می‌خواهد سخن خود را به کرسی بنشانند، این واژه در آن به کار رفته است.

به هر حال طبق این دستور حاجیان به هنگام احرام، نه حق نزدیکی با همسران دارند و نه کلمات دروغ و فحش دادن (گرچه این کار در غیرموقع احرام نیز حرام است، ولی یکی از بیست و پنج امری است که محرم باید ترک کند) و همچنین از کارهایی که بر آنها حرام است جدال است، و سوگند خوردن، خواه راست باشد یا دروغ، و گفتن لا و الله - بلی و الله.

به این ترتیب محیط حج باید از تمتعات جنسی و همچنین انجام گناهان و گفتگوهای بیفایده و جر و بحثها و کشمکشهای بیهوده پاک باشد، زیرا محیط عبادت و اخلاص و ترک لذایذ مادی است، محیطی است که روح انسان باید از آن نیرو بگیرد و یکباره از جهان ماده جدا شود، و به عالم ماوراء ماده راه یابد و در عین

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۵

حال رشته الفت و اتحاد و اتفاق و برادری در میان مسلمانان محکم گردد و هر کاری که با این امور منافات دارد ممنوع است.  
البته هر کدام از این احکام، شرح و بسط و شرایطی دارد که در کتب مناسک حج آمده است.

۳- در مرحله بعد به مسائل معنوی حج، و آنچه مربوط به اخلاص است اشاره کرده، می‌فرماید: آنچه را از کارهای خیر انجام می‌دهید خدای داند (و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله).

چه پاداشی برای نیکوکاران با ایمان از این بالاتر که بدانند هر کار نیکی را انجام می‌دهند خدا از آن با خبر است، و مولی و معبود آنان، حاضر و ناظر می‌باشد و این بسیار لذتبخش است که اعمال خیر در محضر او انجام می‌شود و این پاداشی است قبل از پاداشهای معنوی و مادی دیگر که خداوند عالم و آگاه به آنها می‌دهد.

و در ادامه همین مطلب می‌فرماید: زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد

وتوشه‌ها پرهیزکاری است و از من به پرهیزید ای صاحبان عقل (و تزودوافان خیر الزاد التقوی و اتقون یا اولی الالباب).

بسیاری از مفسران گفته‌اند که این آیه اشاره به گروهی می‌کند (به گفته بعضی گروهی از مردم یمن بودند) که وقتی برای زیارت خانه خدا حرکت می‌کردند هیچگونه زاد و توشه‌ای با خود بر نمی‌داشتند، و حتی اگر زاد و توشه‌ای با خود داشتند به هنگام احرام به دور می‌ریختند و می‌گفتند ما به زیارت خانه خدا می‌رویم چگونه ممکن است به ما غذا دهد (و گاه به همین جهت خود را به زحمت می‌افکندند و یا محتاج به سؤال از این و آن می‌شدند) قرآن این تفکر غلط را نفی می‌کند و می‌گوید زاد و توشه برای خود تهیه کنید ولی در عین حال آنها را به مساله معنوی مهمتری ارشاد کرده، می‌گوید: که ماورای این زاد و توشه زاد و توشه دیگری است که باید برای سفر آخرت فراهم گردد و آن پرهیزکاری و تقوا است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۶

این جمله ممکن است اشاره لطیفی به این حقیقت بوده باشد که در سفر حج موارد فراوانی برای تهیه زادهای معنوی وجود دارد که باید از آن غفلت نکنید در آنجا تاریخ مجسم اسلام است و صحنه‌های زنده فداکاری ابراهیم (علیه السلام) قهرمان توحید و جلوه‌های خاصی از مظاهر قرب پروردگار دیده می‌شود که در هیچ جای دیگر جهان نیست آنها که روحی بیدار و اندیشه‌ای زنده دارند می‌توانند برای یک عمر از این سفر بی نظیر روحانی توشه معنوی فراهم سازند.

قابل توجه اینکه به دنبال این مطلب باز دستور به تقوا می‌دهد و روی سخن را به اولی الالباب یعنی صاحبان مغز و اندیشه می‌کند آری آنها هستند که روح حج را درک می‌کنند و از این برنامه عالی تربیتی حد اکثر بهره برداری را مینمایند در حالی که دیگران تنها از قشر و پوست آن سهمی دارند و روح حج را درک نمی‌کنند.

آری صاحبان مغز و اندیشمندانند که آثار تقوا و پرهیزکاری را در فرد و جامعه درک می‌کنند.

در آیه بعد به رفع پاره‌های اشتباهات در زمینه مساله حج پرداخته، می‌فرماید: گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (و منافع اقتصادی در ایام حج) برخوردار شوید (لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم).

در زمان جاهلیت هنگام مراسم حج هر گونه معامله و تجارت و بارکشی و مسافربری را گناه می دانستند و حج کسانی را که چنین می کردند باطل می شمردند.

آیه مورد بحث این حکم جاهلی را بی ارزش و باطل اعلام کرد و فرمود هیچ مانعی ندارد که در موسم حج از معامله و تجارت حلال که بخشی از فضل خداوند بر بندگان است بهره گیرید و یا کار کنید و از دست رنج خود استفاده کنید.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۷

اصولا گاهی این تفکر که در عصر جاهلیت بوده در زمان ما نیز پیدامی شود که این عبادت بزرگ یعنی حج باید از هر گونه شائبه مادی خالص باشد ولی از آنجا که این مساله بسیاری از کارگران و کسانی که تدارکات و خدمات آن را انجام می دهند اعم از راننده و خدمتگزار و طبیب و راهنما و سایر خدمتگزاران را گرفتار زحمت می کند به علاوه مردم آن دیار می توانند بسیاری از مشکلات اقتصادی را در موقع حج سامان بخشند این تفکر مردود شمرده شده است و اینگونه اشخاص می توانند ضمن خدمات خود مراسم حج را به جا آورند و از این نظر در مضیقه نیفتند.

بلکه از این بالاتر از منابع اسلامی به خوبی استفاده می شود که حج علاوه بر فلسفه مهم اخلاقی و تهذیب نفوس دارای فلسفه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نیز هست.

توضیح اینکه: مسافرت مسلمانان از نقاط مختلف دنیا به سوی خانه خدا و تشکیل آن کنگره عظیم اسلامی می تواند پایه و اساسی برای یک جهش اقتصادی عمومی در جوامع اسلامی گردد به این ترتیب که مغزهای متفکر اقتصادی مسلمین پس از مراسم حج یا قبل از آن دورهم بنشینند و با همفکری و همکاری پایه محکمی برای اقتصاد جوامع اسلامی بریزند و با مبادلات صحیح تجارتي آن چنان اقتصاد نیرومندی به وجود آورند که از دشمنان و بیگانگان بی نیاز گردند.

بنابراین، این معاملات و مبادلات تجارتي خود یکی از وسایل تقویت جامعه اسلامی در برابر دشمنان اسلام است زیرا میدانیم هیچ ملتی بدون داشتن اقتصادی نیرومند استقلال کامل نخواهد داشت ولی بدیهی است فعالیتهای تجارتي باید تحت الشعاع جنبه های عبادی و اخلاقی حج باشد نه حاکم و مقدم

بر آنها و خوشبختانه مسلمانان وقت کافی قبل یا بعد از اعمال حج برای این کار دارند: هشام بن حکم می گوید از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم:.... فقلت له: ما العلة التي من اجلها كلف الله العباد الحج و الطواف بالبيت فقال.... فجعل فيه الاجتماع من

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۸

الشرق و الغرب ليتعارفوا و لينزع كل قوم من التجارات من بلد الى بلد ولينتفع بذلك المكارى و الجمال ... و لو كان كل قوم انما يتكلمون على بلادهم و ما فيها هلكوا و خربت البلاد و سقطت الجلب و الارباح: چرا خداوند مردم را به انجام حج و طواف خانه خود فرمان داده است؟

فرمود: خداوند انسانها را آفرید... و آنان را به عمل حج دستور داد که اطاعت دین و مصالح دنیای آنان را در بر دارد در موسم حج مسلمانان از مشرق و مغرب گرد هم جمع می شوند تا با یکدیگر آشنا گردد و برای این که هر ملتی از تجارتها و فرآورده های اقتصادی ملتهای دیگر استفاده کنند و به خاطر اینکه مسافران و حمل و نقل کنندگان در این سفر با کرایه دادن وسیله های نقلیه خود بهره ببرند، (و برای اینکه با آثار و اخبار پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آشنا گردند و این آثار همچنان زنده بماند و در دست فراموشی سپرده نشود) و اگر بنا باشد هر ملتی فقط درباره محیط خود سخن بگویند هلاک می گردند و شهرها ویران می شود و استفاده ها و منافع تجارتی از بین می رود. سپس در ادامه همین آیه عطف توجه به مناسک حج کرده، می فرماید: هنگامی که از عرفات کوچ کردید خدا را در نزد مشعر الحرام یاد کنید (فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر الحرام).

او را یاد کنید همانگونه که شما را هدایت کرد هر چند پیش از آن از گمراهان بودید (و اذكروه كما هديكم و ان كنتم من قبله لمن الظالين).

باز در ادامه همین معنی می فرماید: سپس از آنجا که مردم کوچ می کنند (از مشعر الحرام به سوی سرزمین منی) کوچ کنید (ثم افيضوا من حيث افاض الناس). و در پایان دستور به استغفار و توبه می دهد و می فرماید: از خدا طلب آمرزش کنید که خداوند آمرزنده و مهربان است (واستغفروا الله ان الله غفور رحيم).

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۵۹

در این بخش از آیات به سه موقف از مواقف حج اشاره شده عرفات که محلی است در حدود ۲۰ کیلومتری مکه و حاجیان از ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب در آنجا وقوف می کنند و به عبادت پروردگار مشغولند سپس وقوف در مشعر الحرام یا مزدلفه که بخشی از شب عید قربان و صبحگاهان قبل از طلوع آفتاب در آنجا می مانند و به راز و نیاز با پروردگار می پردازند و سوم سرزمین منی که محل قربانی و رمی جمرات و پایان دادن به احرام و انجام مراسم عید است.

### نکته ها

#### ۱ - نخستین موقف حج

زائران خانه خدا بعد از انجام مراسم عمره راهی مراسم حج می شوند و نخستین مرحله همان وقوف در عرفات است که از نیمه روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب در آنجا توقف می نمایند سپس از آنجا به سوی مشعر الحرام حرکت می کنند (در آیات فوق به هر دو قسمت اشاره شده است).

در نامگذاری سرزمین عرفات به این نام جهات گوناگونی ذکر کرده اند، گاه گفته اند هنگامی که پیک وحی خداوند جبرئیل مناسک حج را در آنجا به ابراهیم نشان داد ابراهیم می فرمود: عرفت، عرفت (شناختم - شناختم) لذا آنجا را عرفات گفتند.

گاه گفته اند این داستان برای آدم واقع شد و گاه گفته شده که آدم و حوا در آن سرزمین یکدیگر را پیدا کردند و شناختند و گاه گفته شده زوار خانه خدا در آنجا یکدیگر را می بینند و می شناسند و تفسیرهای دیگر.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۰

ولی بعید نیست این نامگذاری اشاره به حقیقت دیگری باشد و آن اینکه این سرزمین محیط بسیار آمادهای برای معرفت پروردگار و شناسائی ذات پاک اوست.

و به راستی آن جذبه معنوی و روحانی که انسان به هنگام ورود در عرفات پیدا می کند با هیچ بیان و سخنی قابل توصیف نیست - تنها باید رفت و مشاهده کرد - همه یک شکل، همه یکنواخت، همه بیابان نشین همه از هیاهوی شهر و از هیاهوی دنیای مادی و زرق و برقش فرار کرده، در زیر آن آسمان نیلی در آن هوای آزاد و پاک از آلودگی گناه در آنجا که فرشته وحی بال و پر می زند، در آنجا که از لابلای نسیمش صدای زمزمه جبرئیل و آهنگ مردانه ابراهیم خلیل



و طنین حیات بخش صدای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مجاهدان صدر اسلام شنیده می شود.

در این سرزمین خاطره انگیز که گویا دریچه ای به جهان ماورای طبیعت در آن گشوده شده انسان نه تنها از نشئه عرفان پروردگار سر مست می شود و لحظه ای با زمزمه تسبیح عمومی خلقت هماهنگ می گردد بلکه در درون وجود خود، خودش را هم که عمری است گم کرده و به دنبالش می گردد پیدا می کند و به حال خوشتن نیز عارف می گردد و می داند او آن کس نیست که شب و روز در تلاش معاش حریصانه کوه و صحرا را زیر پا می گذارد و هر چه می یابد عطشش فرو نمی نشیند می یابد گوهر دیگری در درون جان او نهفته است که او در حقیقت همان است آری این سرزمین را عرفات می نامند راستی چه اسم جالب و مناسبی!

## ۲- مشعر الحرام - دومین موقف حج

در مورد نامگذاری مشعر الحرام به این نام نیز گفته اند که آنجا مرکزی است برای شعائر حج و نشانه های از این مراسم عظیم و پر شکوه و آسمانی. اما نباید فراموش کرد که مشعر از ماده شعور است در آن شب تاریخی و هیجان انگیز (شب دهم ذی الحجه) که زائران خانه خدا پس از طی دوران تربیت خود در عرفات به آنجا کوچ می کنند و شبی را تا به صبح روی ماسه های نرم در زیر

---

تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۱

آسمان پر ستاره در سرزمینی که نمونه کوچکی از محشر کبری و پرده ای از رستاخیز بزرگ قیامت است، در آنجا که جمعیت همچون امواج خروشان دریا به هنگام طوفان همه جا را پر کرده و آوای مردمی که در حرکتاند تا به صبح خاموش نمی شود.

آری در چنان محیط بی آرایش و با صفا و تکان دهنده در درون جامه معصومان احرام و روی آن ماسه های نرم، انسان جوشش چشمه های تازهای از اندیشه و فکر و شعور در درون خود احساس می کند و صدای ریزش آن را در اعماق قلب خود به روشنی می شنود آنجا را مشعر می نامند!

## ۳- درس یگانگی و اتحاد

در روایات آمده است که قبیله قریش در جاهلیت امتیازات نادرستی برای خود قائل بودند و برای هیچ یک از اعراب مقامی را که برای خوشتن می دانستند قایل نبودند آنها خود را حمس (بر وزن خمس) به معنی کسی که در دین خود

محکم و پا برجاست می خواندند و به عنوان فرزندان ابراهیم و سرپرستان خانه کعبه خود را از همه برتر می شمردند.

از جمله اینکه می گفتند ما نباید در مراسم حج به عرفات برویم زیرا عرفات از حرم مکه بیرون است، اگر چنین کنیم عرب برای ما ارزشی قائل نخواهد شد حرم مکه با نقاط بیرون حرم یکسان نیست این سخن را در حالی می گفتند که می دانستند وقوف در عرفات جزء مراسم حج ابراهیمی است.

قرآن در آیات فوق خط بطلان بر این اوهام کشید و به مسلمانان دستور داد همه با هم در عرفات وقوف کنند و از آنجا همگی به سوی مشعر الحرام و از آنجا به سوی منی کوچ نمایند جمله ثم افیضوا من حیث افاض الناس از همان جا که

---

#### تفسیر نمونه جلد ۲ صفحه ۶۲

مردم کوچ می کنند شما هم کوچ کنید اشاره لطیفی به این معنی است. در واقع قرآن با این بیان دستور می دهد که همه مردم بدون استثناء نخست به عرفات بروند و از آنجا به مشعر الحرام و سپس به سرزمین منی کوچ کنند. دستور استغفار در ذیل آخرین آیه فوق اشاره به این است که از خداوند طلب آمرزش تمام گناهان را کنند و از آن افکار و خیالات جاهلی که مخالف روح مساوات و برابری حج است کنار روند و یادآور می شود که اگر دست بردارند خداوند غفور و رحیم است.

باید توجه داشت که افاضه از ماده فیض در اصل به معنی جریان وریش آب است و از آنجا که وقتی مردم به طور دسته جمعی از جائی به نقطه دیگری با سرعت حرکت می کنند بی شباهت به یک نهر جاری نیست این تعبیر به کار می رود.

#### ۴ - ارتباط آیات

در اینکه چه رابطهای میان ابتغاء فضل الله (فعالیت های تجارتي) و مساله وقوف در عرفات و حرکت از آن به سوی مشعر الحرام و سپس منی وجود دارد که در آیات فوق در کنار هم قرار گرفته ممکن است اشاره به این نکته باشد که تلاش اقتصادی اگر برای خدا و زندگی آبرومندانه باشد آن هم یک نوع عبادت است همچون مناسک حج یا اینکه نقل و انتقال زوار از مکه به عرفات و از آنجا به مواضع دیگر مستلزم هزینه ها و خدماتی است و اگر هر گونه کار و خدمت و مزدگرفتن در این ایام ممنوع و حرام باشد مسلماً زوار خانه خدا سخت به زحمت می افتند.

و لذا این طور در کنار هم قرار داده شده، یا اینکه مبادا پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی شما را از ذکر خدا و از توجه به عظمت این مواقف دور سازد.

بَعْدُ

فَرَسَتْ

قَبْلُ